

غزل شماره ۲۴

مطلب طاعت و پیمان و صلاح از من مست
که به پمانه کشتی شهره شدم روز الست

من همان دم که وضو ساختم از چشمه عشق
چار تکبیر ز دم یکسره بر هر چه که هست

می بده تا دهمت اگهی از سر قضا
که به روی که شدم عاشق و از بوی که مست

کمر کوه کم است از کمر مور این جا
نامید از در حمت مشوای باده پرست

به جز آن ز کس مستانه که چشمش مرصاد
زیر این طارم فیروزه کسی خوش نشست

جان فدای دنش باد که در باغ نظر
چمن آرای جهان، خوشتر از این غنچه نبست

حافظ از دولت عشق تو سلیمانی شد
یعنی از وصل تو اش نیست به جز باد به دست

تفسیر فال

صلاح در این است که در حال حاضر به عهدی که بسته‌ای عمل کنی و به توافقاتی که با خود و دیگران داشته‌ای پایبند بمانی. درست است که شاید احساس پشیمانی در دل داری، اما لازم است بدانی که سرنوشت تو را به سوی مسیر جدیدی هدایت کرده است و اکنون زمان آن رسیده تا با اراده قوی و عزم راسخ، بر چالش‌ها غلبه کنی. رحمت خداوند شامل حال تو می‌شود و اقبال بلند، همراه با ثروت فراوان، به زودی نصیب تو خواهد شد. اما باید بسیار محتاط باشی؛ زیرا با وزیدن باد غفلت ممکن است ناگهان همه چیز را از دست بدهی. بنابراین بهتر است با دقت و هوشیاری پیش بروی تا بتوانی از نعمت‌ها و فرصت‌هایی که در برابر تو قرار دارد بهره‌برداری کنی.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)